

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 5, Summer 2021, 397-421
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.30370.1810

Critical Evaluation of the Sources in Regional Studies of the Modern and Contemporary Art in the Islamic World

Mohammad Reza Moridi*

Abstract

In this article, the most important books on modern and contemporary art in Islamic lands were examined; these studies were divided into five categories: first, the books that studied the art of this region under the concept of “modern / contemporary Islamic art”, second, the books that studied under the title of “Middle Eastern Art”. Third, books that have followed Islamic art under the title “Arab Art”. Fourth, books that studied the Islamic art under nationalist narratives such as Iran, Arab, or Turkey art, and fifth, books under more general headings such as “Islamic Visual Culture” or Image Policy in Islamic Countries have been studied. Examining these resources is for three reasons: First, it enables researchers to compare approaches and methods in regional studies of Islamic art. Second, unfortunately, in Iran, there is not enough knowledge of the art of neighbors and other Islamic countries; therefore, reviewing the sources of regional art studies enables researchers to get acquainted with the most important sources and researchers in regional studies of art in Islamic countries. Third, by critically evaluating sixty important books in the study of modern and contemporary art in Islamic lands, we do emphasize the aspects that studies less than other aspects in this field were studied, and show the contribution of Iranian researchers in the regional studies of Islamic art.

Keywords: Regional Studies, Islamic Art, Modern Islamic Art, Arab Art, Middle East Art.

* Assistant Professor, Faculty Member in Art University, Tehran, Iran, moridi@art.ac.ir

Date received: 05/02/2021, Date of acceptance: 28/06/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی و ارزیابی منابع مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر در کشورهای اسلامی^۱

محمد رضا مریدی*

چکیده

مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی طی دو دهه گذشته توسعه یافته است. در این مقاله، به مهم‌ترین کتاب‌ها در این حوزه مطالعاتی پرداخته شده و این پرسش دنبال شده است که چه روش‌ها و رویکردهایی در مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر سرزمین‌های اسلامی در پیش گرفته شده است؟ منابع در پنج دسته بررسی شدند: اول کتاب‌هایی که هنر این منطقه را زیر مفهوم «هنر اسلامی مدرن» مطالعه کرده‌اند، دوم کتاب‌هایی که هنر منطقه را زیر عنوان «هنر خاورمیانه» مطالعه می‌کنند، سوم کتاب‌هایی که هنر اسلامی را زیر عنوان «هنر عرب» دنبال کرده‌اند، چهارم منابعی که به «هنر در مرزهای ملی» پرداخته‌اند و بر روایت ایرانی، عربی، و ترکی تأکید کرده‌اند، و پنجم کتاب‌هایی که زیر عنوان‌های کلی‌تر هم چون «فرهنگ بصری اسلامی» به هنر مدرن در سرزمین‌های اسلامی پرداخته‌اند. بررسی منابع نتایج زیر را به دست آورد: اول، معرفی مهم‌ترین کتاب‌ها و پژوهش‌گران در مطالعات هنر مدرن کشورهای اسلامی؛ دوم، مطالعه تطبیقی رویکردها و روش‌ها در مطالعات منطقه‌ای هنر اسلامی مدرن؛ سوم، تأکید بر چشم‌انداز فراملی‌گرا در مطالعات منطقه‌ای، چراکه مطالعه هنر اسلامی مستلزم فرارفتن از روایت‌های ملی‌گرایانه از هنر در کشورهای اسلامی است؛ چهارم، تأکید بر جنبه‌های کم‌ترپرداخته‌شده در روش‌ها و مطالعات انجام‌شده درباره هنر مدرن و معاصر کشورهای اسلامی.

کلیدواژه‌ها: مطالعات منطقه‌ای هنر، هنر اسلامی، هنر اسلامی مدرن، هنر خاورمیانه، هنر عرب.

* استادیار دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، گروه پژوهش هنر، عضو هیئت علمی دانشگاه هنر، تهران،
moridi@art.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷



۱. مقدمه

هنر اسلامی اغلب هم‌چون سبکی تاریخی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ یعنی مطالعه آثاری از دوران شکوه امپراتوری‌های اسلامی که در موزه‌ها نگه‌داری می‌شوند. پژوهش‌گران نیز اغلب هنر اسلامی را تا پایان قرن نوزدهم یا پایان عثمانی و قاجار دنبال می‌کنند و کم‌تر هنر اسلامی در دوران مدرن و معاصر را در مرکز مطالعات قرار داده‌اند، اما در دهه‌های اخیر جریان تازه‌ای از مطالعه منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر اسلامی در حال توسعه است.

تغییرات در مسیر مطالعات هنر اسلامی را می‌توان در چند جریان دنبال کرد. آغاز این تغییرات در نیمه قرن نوزدهم بود که باستان‌شناسان مطالعات گسترده‌ای درباره سرزمین‌های مسلمان آغاز کردند. در ابتدا، این مطالعات رنگ قوم‌شناختی داشتند و سخن از هنر عرب، ترک، و ایرانی بود و یافته‌ها زیر مقولاتی چون هنر شرق و هنر بین‌النهرین قرار می‌گرفتند، نه هنر اسلامی. در نیمه پایانی قرن نوزدهم، این مطالعات زیر مفهوم منسجم‌تر هنر اسلامی قرار داده شدند. بحث از مشترکات سرزمین‌های اسلامی و مفاهیم غالب یا روح حاکم بر هنر مسلمانان به این مطالعات سمت‌وسوی تازه‌ای داد، اما به تدریج در طول قرن بیستم و به تأثیر از جریان ملی‌گرایی و تأسیس کشورهای جدید بعد از فروپاشی عثمانی، بار دیگر این مطالعات مبنای ملی و نژادی یافتند و پژوهش‌ها و نمایشگاه‌ها به‌سوی بررسی ایران، ترکیه، مصر یا عرب متمایل شدند.

از آغاز قرن بیست‌ویکم مطالعه هنر اسلامی سمت‌وسوی تازه گرفت و مقوله‌بندی‌هایی چون هنر خاورمیانه بر این مطالعات غالب شد. هم‌چنین این مطالعات متأثر از منازعات قدرت، جنگ‌ها، و کش‌مکش‌های اقتصاد سیاسی نفت در منطقه خاورمیانه اغلب سمت‌وسوی «سیاسی» به خود گرفتند. بلر و بلوم این تغییر رویکرد از مطالعات تاریخی به مطالعات سیاسی را از یک سو ناشی از تغییرات اقتصادی و سیاسی در سرزمین‌های اسلامی می‌دانند و از سوی دیگر برخاسته از تغییر الگوی مهاجرت از خاورمیانه که پس از تنش‌های سیاسی دهه ۱۹۸۰ به وجود آمد:

برخلاف گذشته که هنر اسلامی مورد توجه پژوهش‌گران غیرمسلمان بود، اکنون مطالعات هنر اسلامی توسط پژوهش‌گران و دانشجویانی دنبال می‌شود که اخلاف آمریکایی‌شده خاورمیانه‌ای و مسلمان مهاجر هستند؛ آن‌ها در مطالعاتشان به دنبال ریشه‌های والدینشان برآمده‌اند، لذا بیش‌تر به تحولات هنر مدرن در خاورمیانه علاقه‌مند هستند تا هنر تاریخی اسلام (بلر و بلوم ۱۳۸۷: ۸۷).

هنر اسلامی مفهومی فراتر از جغرافیای ملی است و مطالعه آن باید در چهارچوب مطالعات منطقه‌ای دنبال شود، اما مطالعات منطقه‌ای هنر اسلامی نیز با کشمکش‌های نظری مواجه است. مقوله‌سازی این مطالعات زیر عنوان منطقه خاورمیانه، منطقه عرب، منطقه غرب آسیا، منطقه ایرانی - عربی بر روند مفهوم‌سازی هنر اسلامی اثر می‌گذارد. به‌ویژه در بحث در مورد هنر مدرن و معاصر سرزمین‌های اسلامی، که با طیف متنوع‌تری از تجربه‌های هنری مواجهیم، دشواری مقوله‌سازی‌ها بیش‌تر است. لذا، ضروری است برای شناخت بهتر جریان‌های مطالعاتی در هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی ابتدا چيستی مطالعات منطقه‌ای هنر را مورد پرسش قرار دهیم. سپس به بررسی پژوهش‌های انجام‌شده بپردازیم تا روشن شود در چه حوزه‌هایی مطالعات بیش‌تری انجام شده و در چه بخش‌هایی مطالعات کم‌تر بوده است و به توجه بیش‌تر پژوهش‌گران نیاز دارد؟ چه روش‌ها و رویکردهایی در مطالعات هنر مدرن و معاصر اسلامی در پیش گرفته شده است؟

۲. رویکرد نظری و روش‌شناختی: مطالعات منطقه‌ای هنر اسلامی

اولین نقدها درباره هنر مدرن در سرزمین‌های اسلامی را از دهه ۱۹۶۰، بر مبنای نگرش‌های ملی‌گرایانه، هنرمندان و منتقدان و تاریخ‌نویسان به زبان‌های ایرانی، ترکی، و عربی نوشتند، اما اغلب این مطالعات قادر نبودند که چشم‌اندازی فراملی و منطقه‌ای ارائه دهند (Naef 2016: 1006). هنر اسلامی مفهوم فراملی است. اولین متن‌ها درباره هنر اسلامی در دوران مدرن را، که دیدگاهی فراملی داشته باشد، پژوهش‌گران و تاریخ‌نگاران اروپایی و آمریکایی به‌نگارش درآوردند. بلر و بلوم اشاره می‌کنند:

در خود سرزمین‌های اسلامی کرسی‌های تدریس هنر اسلامی انگشت‌شمارند و در آن‌جا استادان و دانشجویان عمدتاً هنر کشورهای خود را مطالعه می‌کنند. روبه‌روشدن با مصریانی که در مصر هنر مصری را تحصیل و تدریس می‌کنند، ترک‌هایی که هنر ترک را در ترکیه تحصیل و تدریس می‌کنند، یا ایرانیانی که هنر ایرانی را در ایران تحصیل و تدریس می‌کنند بسیار محتمل‌تر است. به‌عبارت‌دیگر، مفهوم کل‌نگرانه "هنر اسلامی" هم‌چنان مختص به غرب باقی ماند (بلر و بلوم ۱۳۸۷: ۵۷).

اما اختصاص مطالعات منطقه‌ای به غرب به‌معنای داوری فرامنطقه‌ای و نگارشی بدون جهت‌گیری و تفسیر نیست. باید پژوهش‌گران سرزمین‌های اسلامی نیز در تاریخ‌نگاری هنر اسلامی، به‌ویژه در هنر مدرن و معاصر اسلامی، نقش‌آفرینی کنند و روایت‌های معتبر را ارائه دهند.

در این مقاله، منابع و کتاب‌های منتشر شده درباره هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی در پنج دسته مورد مطالعه قرار می‌گیرند: اول منابعی که هنر این منطقه را زیر مفهوم «هنر مدرن / معاصر اسلامی» مطالعه کرده‌اند؛ دوم منابعی که جریان‌های مدرن و معاصر را زیر عنوان «هنر خاورمیانه» مورد مطالعه قرار داده‌اند؛ سوم منابعی که عنوان «هنر عرب» را توصیف بهتری از تحولات منطقه دانسته‌اند؛ چهارم منابعی که به «هنر در مرزهای ملی» پرداخته‌اند و بر روایت ایرانی، مصری، و ترکی از هنر اسلامی تأکید کرده‌اند؛ پنجم منابعی که زیر عنوان‌هایی چون «فرهنگ بصری اسلامی» به هنر مدرن و معاصر اسلامی پرداخته‌اند. مبنای این دسته‌بندی «توانایی تبیین حداکثری» است. بدین معنا که دسته‌بندی باید قادر باشد نمونه‌های بیش‌تری را در دسته‌های کم‌تری قرار دهد، باین‌حال امکان مقایسه و مطالعه تطبیقی بیش‌تری را فراهم کند. اعتبار و روایی (validity) این دسته‌بندی محقق را قادر می‌سازد تا با بررسی مهم‌ترین منابع، دیدگاه نسبتاً جامعی از رویکردها و روش‌های مطالعه منطقه‌ای هنر اسلامی در دوران مدرن را ارائه کند. در سال‌های اخیر، منابع مطالعه هنر این منطقه افزایش یافته، پایان‌نامه‌های بیش‌تری نوشته شده، مقالات زیادی منتشر شده، و برای نمایشگاه‌های رو به افزایش از هنر مدرن و معاصر سرزمین‌های اسلامی تعداد قابل‌توجهی کاتالوگ منتشر شده است. باین‌حال، کتاب‌هایی روش‌مند که ابعاد مسئله را طرح کنند زیاد نیستند. در این مقاله تلاش شده است به مهم‌ترین کتاب‌هایی پرداخته شود که به مطالعات هنر در این حوزه سمت‌وسو داده‌اند.

روش مقاله حاضر تطبیقی است. منظور از مطالعه تطبیقی نوعی تحلیل ثانویه از پژوهش‌های انجام‌شده درباره هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی است. برخی پژوهش‌ها به آثار هنری پرداخته‌اند و برخی به روی‌دادها، نهادها، و دوسالانه‌های هنری پرداخته‌اند. در مطالعه تطبیقی روی‌دادها، نهادها، سازمان‌ها، و الگوهای جریان‌ساز در هنر مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در این مقاله با مطالعه تطبیقی منابع به این پرسش‌ها می‌پردازیم که چه روش‌ها و رویکردهایی در مطالعات هنر مدرن و معاصر اسلامی در پیش گرفته شده است؟ در چه حوزه‌هایی مطالعات بیش‌تری انجام شده و در چه بخش‌هایی مطالعات کم‌تر بوده است و به توجه بیش‌تر پژوهش‌گران نیاز دارد؟

۳. مطالعات هنر اسلامی مدرن و معاصر

از جمله اولین منابع در مورد هنر اسلام در دوران مدرن کتاب وجدان علی (Ali 1989) با عنوان هنر مدرن و معاصر جهان اسلام است. کتابی که هنر را به تفکیک کشورهای اسلامی

از مراکش، مصر، عراق، ایران، و پاکستان تا اندونزی مورد مطالعه قرار داد. کتاب فاقد تحلیل نظری است و بیش‌تر جنبه توصیفی دارد و روند تأسیس مدرسه‌ها و نهادهای هنر مدرن و هنرمندان مدرن را در این کشورها دنبال کرده است، اما در نسخه بازنگری شده کتاب، که در سال ۱۹۹۷ منتشر شد، این مسئله با افزودن سه مقاله تحلیلی به آخر کتاب جبران شد. وجدان علی روند هنر مدرن در سرزمین‌های اسلامی را در سه مرحله دسته‌بندی می‌کند: مرحله اول با عنوان «یادگیری» است که به تقلید از سبک آکادمی اروپایی نوعی هنر غربی - اورینتالیستی میان هنرمندان غالب می‌شود. در مرحله دوم که آن را «خودیابی» می‌نامد، تلاش برای پیوند سوزدهای محلی با سبک‌های غربی آغاز می‌شود. در مرحله سوم بازگشت به «میراث اسلامی» مورد توجه قرار می‌گیرد و نوعی هنر مدرن اسلامی شکل می‌گیرد (Ali 1997: 138-197). البته، دسته‌بندی‌های مؤلف کامل نیست، اما از اهمیت کتاب کم نمی‌شود، زیرا هم از شروع‌کنندگان مطالعه تطبیقی هنر در سرزمین‌های اسلامی بود و هم با طرح مفهوم «هنر اسلامی مدرن» آغازگر مباحث تازه شد.

مطالعات درباره هنر مدرن یا معاصر اسلامی چندان زیاد نیست. علت اصلی پرچالش بودن مفهوم «هنر اسلامی مدرن» است. با این حال، برخی منابع، هم چون کتاب گلین لاوری (Glenn D. Lowry)، مدیر موزه هنرهای معاصر نیویورک، با صراحت بیش‌تری هنر مدرن و معاصر اسلامی را مورد پرسش و واکاوی قرار می‌دهند.

گلین لاوری (Lowry 2009) در کتاب *نفت و شکر: هنر معاصر و فرهنگ اسلامی* به دنبال پاسخ به این پرسش است که کدام هنرمند از سرزمین‌های اسلامی را می‌توان معاصر دانست. لاوری هر نوع مطالعه درباره هنر معاصر اسلام را ادامه پرسش‌های اولگ گرابار در کتاب *شکل‌گیری هنر اسلامی* می‌داند (ibid.: 8)، اما معتقد است به مفاهیم تازه‌ای برای توصیف هنر معاصر اسلامی نیاز داریم. لذا به اصطلاح‌هایی چون هنر جهانی، دیاسپوریک، پسااستعماری، و تراملی می‌پردازد. مؤلف نگاه خوش‌بینانه‌ای به جریان هنر معاصر سرزمین‌های اسلامی دارد و معتقد است که نوعی امکان گفت‌وگو و مذاکره میان ارزش‌های جهانی و محلی مقدور شده است که هنرمندان از کشورهای حاشیه (هم‌چون خاورمیانه و مسلمان) امکان فعالیت در فضایی یافته‌اند که آن را «نظام جهانی» می‌نامد (ibid.: 9). مؤلف آثار هنرمندانی را بررسی کرده که به‌عنوان هنرمندان مهاجر یا دورگه امکان جابه‌جایی و گفت‌وگو میان جهان حاشیه (اسلامی) با جهان مرکز (غرب) برایشان ممکن است؛ هنرمندانی چون نکت اکیچ (Nezaket Ekici)، هنرمند ترکی - آلمانی، لالا الصعیدی (Lalla A. Essaydi) هنرمند مراکشی - آمریکایی، شیرین نشاط هنرمند ایرانی - آمریکایی،

ولید رعد (Walid Raad) هنرمند لبنانی - آمریکایی. لاوری معاصر بودن را امکانی برای ارتباط میان مرکز و پیرامون تلقی می‌کند که هنرمندان مهاجر با تجربه‌های دیاسپوریک به دست می‌آورند. این تعریف البته محدود و تقلیل‌گرایانه است و مانع از تبیین دیگر جریان‌های هنری معاصر در سرزمین‌های اسلامی می‌شود.

نقاشی خط از مهم‌ترین جریان‌های هنر اسلامی مدرن است. منابع متعددی درباره نقاشی خط منتشر شده است. از مهم‌ترین آن‌ها کتاب رز عیسی و همکارانش (Issa et al. 2016) با عنوان *نشانه‌های زمان ما: از کالیگرافی به کالیگرافیتی* است. در این کتاب تلاش شده است تا تحولات هنری و پیدایش زیبایی‌شناسی نوین در سرزمین‌های اسلامی بحث شود و دسته‌بندی جامعی از خوش‌نویسی مدرن و نقاشی خط در دوران مدرن و معاصر ارائه شود. کتاب به بررسی آثار ۵۳ هنرمند در سه نسل می‌پردازد. نسل اول آثار هنرمندانی است که پس از استقلال و شکل‌گیری کشورهاشان به ابداع یک زبان زیبایی‌شناسی جدید پرداختند و هویت استقلال‌طلبانه و ملی‌گرایانه جدید را تثبیت کردند. نسل دوم آثار هنرمندان در تبعید است که فرهنگ و زبان سرزمینی را در آثارشان ارجاع می‌دهند. نسل سوم آثار هنرمندان معاصر است که زبان و نگارش فارسی و عربی را با زیبایی‌شناسی، زبان، و مفاهیم بین‌المللی ادغام و آثاری مفهومی در بستر سیاست و فرهنگ خلق می‌کنند. رز عیسی این مجموعه را ریخت‌شناسی از حروف، واسازی، و دوباره‌سازی خوش‌نویسی می‌داند، اگرچه تأکید می‌کند اغلب این هنرمندان خوش‌نویس نیستند، بلکه کلمه و نشانه‌های نوشتاری را در آثارشان به کار می‌برند. عیسی این جریان را مدرنیته جای‌گزین (alternative modernities) یا آلترناتیو می‌نامد؛ جریانی از پاپ آرت معنوی (spiritual pop art) که در کشورهای مختلفی از تونس، لبنان، عراق، و ایران طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسعه یافت. جریان دوم با مهاجرت و تبعید هنرمندان لیبرال از کشورهای اسلامی طی دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رشد کرد؛ جریانی از تراریختی (transformation) فرهنگی که متناسب با موقعیت هنرمندان مهاجر و نامکان‌مند بود. جریان سوم پس از وقایع یازده سپتامبر و شکل‌گیری مفهوم تروریسم تراملی (transnational terrorism) به وجود آمد. این بار کالیگرافی بیانی از هنر دیاسپورای و هیبریدی است که در خود مضامین و مفاهیم انتقادی دارد (ibid.: 20-22). این بررسی چندجانبه از جریان نقاشی خط ناشی از آن است که این جریان به مهم‌ترین معرف هنر اسلامی مدرن تبدیل شده است.

لوپز و دیگران (Lopes et al. 2015) در کتاب *روند جهانی در هنر اسلامی معاصر و مدرن* مقالاتی را برای پرسش از چیستی هنر اسلامی مدرن گرد آورده‌اند. در این کتاب، سلویا نف

در مقاله‌ای با عنوان «چگونه هنر معاصر اسلامی اسلامی است» به بحث هم‌زمانی (synchronic) و درزمانی (diachronic) «هنر اسلامی مدرن» می‌پردازد (Naef 2015: 1003-1005) و امکان و اعتبار این اصطلاح را بررسی می‌کند. استیسی شایویلر (Staci Gem Scheiwiller) در مقاله‌ای به این پرسش می‌پردازد که آیا در دوران هنر پسااسلامی قرار داریم، سپس به موقعیت هنر اسلامی در وضعیت پسامدرن می‌پردازد. مونیبا عبدالله نقش نمایشگاه‌ها و موزه‌ها در ساخت هنر اسلامی را مطالعه کرده است. در این مجموعه، مقالاتی از سارا راجرز (Sara Rogers) و میثم یزدی منتشر شده است.

به منابع پیش‌تری می‌توان اشاره کرد هم‌چون کتاب *آینده سنت و سنت آینده* با سرویستاری کریس درکون و دیگران (Dercon et al. 2011) که به‌مناسبت نمایشگاهی در سال ۲۰۱۰ با عنوان *صد سال پس از نمایشگاه شاه‌کارهای هنر اسلامی* منتشر شد. نمایشگاه ۱۹۱۰ مونیخ از بزرگ‌ترین روی‌دادهای هنر اسلامی در قرن گذشته بود و بسیاری آن را نقطه عطف شناخت و نظریه‌پردازی هنر اسلامی می‌دانند. در این کتاب، دیوید راکسبرگ (David Roxburgh) به تأثیر دیدگاه شرق‌شناسانه در هنر اسلامی در طول قرن نوزدهم و بیستم پرداخته است. صلاح حسن (Salah M. Hasan) در مقاله‌ای با عنوان «هنر اسلامی معاصر» به هنر اسلامی و بازنمایی مسلمانان پس از حادثه یازده سپتامبر پرداخته است. ندا شبوط به هنر مدرن عرب پرداخته و آن را در تمایز با هنر اسلامی بحث کرده است. اوا ترولنبرگ (Eva-Maria Troelenberg) به نقش نمایشگاه مونیخ در ساخته‌شدن مفهوم «شاه‌کار» در هنر اسلامی پرداخته است؛ هم‌چون کتاب بنوت جونود و جمعی از پژوهش‌گران (Junod et al. 2012) با عنوان *هنر اسلامی و موزه* که در آن به تأسیس موزه‌ها و مجموعه‌های جدید هنر اسلامی پرداخته‌اند. در این مجموعه، بنوت جونود تأثیر حملات یازده سپتامبر در تغییر رویکرد موزه‌های هنر اسلامی را مورد بحث قرار داده است و گل‌رو نجیب‌اوغلو در جست‌وجوی رویکردی برای امکان بحث از هنر اسلامی در دوران مدرن است. هم‌چنین، بلر و بلوم (Blair and Bloom 2019) در کتابی با عنوان *هنر اسلامی: گذشته، حال، و آینده*، که به‌مناسبت هفتمین دوسالانه فرهنگی قطر منتشر شد، به طرح پرسش‌های تازه از هنر اسلامی در دوران مدرن و معاصر پرداخته‌اند. در این مجموعه مقالات، وجدان علی به تمایز مدرن و معاصر می‌پردازد و این نکته را دنبال می‌کند که هنر اسلامی مدرن صحیح‌تر است یا هنر اسلامی معاصر. ندا شبوط به هنر معاصر عراق می‌پردازد و اسلامی بودن یا عربی بودن این هنر را می‌کاود. لیندا کاماروف (Linda Komaroff) به پیوند گذشته و معاصر در هنر معاصر اسلامی پرداخته است، اگرچه

تعریف او از هنر اسلامی معاصر بیش‌تر به معنای هنر برخاسته از خاورمیانه و با مضامین سیاسی خاورمیانه است.

مطالعات در مورد هنر اسلامی مدرن و معاصر در حال افزایش است. همایش‌های متعددی در این زمینه برگزار شده و کاتالوگ‌های نمایشگاه‌های مختلفی منتشر شده است. بحث از امکان معاصر بودن هنر اسلامی چالش‌برانگیز است. برخی معاصریت در هنر اسلامی را هم‌چون هجو و ترکیبی التقاطی می‌دانند که انسجام مفهوم هنر اسلامی را به‌خطر می‌اندازد و برخی بحث از معاصریت را نشانه پویایی اسلام و هنر اسلامی در زمانه حاضر می‌دانند.

۴. مطالعات هنر خاورمیانه

از آغاز قرن جدید مطالعات هنر در سرزمین‌های اسلامی زیر مقوله هنر خاورمیانه توسعه یافت. کتاب شریفه زهیر (Sherifa Zuhur) از اولین منابعی است که به تحولات هنر زیر عنوان خاورمیانه پرداخته است. مؤلف در کتاب *تصاویر سحرآمیز* (۱۹۹۸) و کتاب *رنگ‌های سحرآمیز* (۲۰۰۱) به هنر تئاتر، رقص، موسیقی، و نقاشی خاورمیانه می‌پردازد. کتاب تاریخ‌نگارانه نیست، بلکه برخی موضوعات محوری را کندوکاو کرده است. مثلاً سلوی مقدادی (Salwa Mikdadi) به جنسیت و سیاست در هنر معاصر عرب پرداخته و ضمن بررسی فشرده از تاریخ هنر در مصر، عراق، و لبنان به برخی هنرمندان زن چون انجی افلاطون (Indji Aflatoun) و عفت ناجی (Effat Nagy) در مصر و هلن خال (Helen Khal) در لبنان پرداخته و تلاش آن‌ها برای تغییر بازنمایی تصویری از زن سنتی را بررسی کرده است. زهیر (۲۰۰۱) در کتاب دوم نیز رویکرد قبل را ادامه می‌دهد. اگرچه این کتاب‌ها حوزه‌های وسیعی از تئاتر، فیلم، و رقص را در جغرافیای بزرگی از ایران، عراق، مصر، و مراکش دنبال کرده‌اند و چشم‌اندازهای خوبی در هر بخش ارائه می‌دهند، نمی‌توان در آن‌ها رویکرد منسجمی را در شناخت هنر خاورمیانه دنبال کرد.

با شکل‌گیری بازار هنر خاورمیانه و فروش قابل‌توجه خانه‌های حراج تعداد کتاب‌ها درباره هنر خاورمیانه افزایش یافت. کتاب وینشا پرت (Porter 2006) با عنوان *کلمه در هنر* از چند جهت اهمیت دارد. کتاب هم‌زمان با نمایشگاهی با همین عنوان در لندن منتشر شد. در کتاب به مشخصه‌هایی از هنر در سرزمین‌های اسلامی پرداخته شده است که در سال‌های بعد مورد توجه بازار هنر و حراجی‌ها قرار گرفت. از این‌رو، کتابی جریان‌ساز بود. مؤلف در

فصل اول به نوشته‌های مقدس و اهمیت خط در نگارش قرآن پرداخته، در فصل دوم به نسبت ادبیات و هنر در سنت نگارگری، در فصل سوم به جریان واسازی و شالوده‌شکنی کلمه در آثار هنری، و در فصل پایانی به بازنمایی هویت، تاریخ، و سیاست به وسیله حروف و نوشتن در آثار هنرمندان خاورمیانه پرداخته است.

مونم و دیگران (Monem et al. 2009) در کتاب *هنر معاصر در خاورمیانه* و لیزا فرجام (Farjam 2009) در کتاب *بدون نقاب: هنر جدید خاورمیانه* به فرم‌ها و تجربه‌های جدید در هنر خاورمیانه پرداختند. البته این کتاب‌ها بیش‌تر کاتالوگ آثارند. مثلاً کتاب *بدون نقاب* کاتالوگ نمایشگاهی با همین عنوان از مجموعه‌ی ساچی بود. کتاب صائب ایگنر (Eigner 2010) با عنوان *هنر خاورمیانه: هنر مدرن و معاصر جهان عرب و ایران* دیدگاه جامع‌تری از روند شکل‌گیری هنر خاورمیانه ارائه می‌دهد. مقدمه کتاب بر نقش مهم و پیش‌روی مصر و ایران تأکید می‌کند. سپس در هفت فصل به تجربه‌های هنری خاورمیانه می‌پردازد. در فصل اول با عنوان «نگارش مقدس» به اهمیت خط در کشورهای عربی، ایران، و ترکیه اشاره دارد و تداوم این سنت را در هنر مدرن دنبال می‌کند. در فصل دوم به جریان ادبیات و مدرنیته ادبی در کشورهای اسلامی می‌پردازد و آن را عرصه تفکر و توسعه روشن‌گری و روشن‌فکری دانسته است. فصل بعدی به پیش‌تازی و نوآوری در موسیقی و نمایش می‌پردازد. یکی از فصل‌های مهم کتاب مبحث سیاست، کش‌مکش، و جنگ در منطقه و تأثیر آن در هنر است؛ جنگ میان اعراب و اسرائیل، کش‌مکش‌های نفتی، و جنگ برای مرزهای سرزمینی بخش مهمی از تجربه‌های هنرمندان بوده است. فصل پنجم به هویت‌جویی تاریخی در هنر می‌پردازد؛ برخی این هویت را در باستان‌گرایی و برخی در اسلام‌گرایی دنبال کرده‌اند. فصل ششم به بحث پرتره و بدن پرداخته است. هنرمندان با توجه به محدودیت‌های اسلام در تصویرگری، مجسمه‌سازی، و نمایش بدن، استراتژی‌های ویژه‌ای برای تغییر شکل دادن و از شکل انداختن تصویر بدن در آثارشان در پیش گرفته‌اند. البته هنرمندان معاصر با رویکردهای فمینیستی اغلب بر بازنمایی بدن تأکید می‌کنند و به آثارشان وجه انتقادی می‌دهند. فصل هفتم و پایانی به بازنمایی طبیعت و نشانه‌های سرزمینی هم‌چون کویر، بیابان، و درختان می‌پردازد که سهم زیادی از آثار هنرمندان را شامل می‌شود. این کتاب اگرچه جامع است، رویکرد تحلیلی منسجمی را در پیش نمی‌گیرد و تنها به طبقه‌بندی توصیفی آثار اکتفا می‌کند.

حمید کشمیرشکن (Keshmirshakan 2015) در کتاب *هنر معاصر از خاورمیانه* به مسئله مهم جهانی - محلی در هنر خاورمیانه می‌پردازد و تبادلات منطقه‌ای را با

گفتمان‌های هنر جهانی دنبال می‌کند. در این کتاب، مقالاتی به قلم حمید دباشی، ندا شیبوط (Nada M. Shabout)، حمید سوری، سارا راجرز، عباس دانشوری، و هلیا دارابی به‌نگارش درآمده که به نهادهای جدید هنر و تجربه‌های جدید هنرمندان ایران و عرب پرداخته‌اند. کتاب به این پرسش مهم می‌پردازد که آیا روایت درونی و بیرونی از خاورمیانه متفاوت است؟ نهادهای بازار هنر چون خانه حراج کریستیز و گالری‌های دبی از توسعه مفهوم هنر خاورمیانه استقبال می‌کنند. البته این مفهوم منتقدانی دارد، چراکه آن را مفهومی نواستعماری و نواستعماری می‌دانند که بر آثاری با مضامین کلیشه‌ای و اگزوتیک هم‌چون چادر، جنگ، و ترور تأکید دارند؛ آثاری که ناسازه‌ها و چالش‌های مدرنیته در سرزمین‌های اسلامی را برجسته می‌کنند. به‌هرحال، با توجه به استقبال بازار و رسانه‌ها از این مضمون‌ها، مطالعات درباره هنر خاورمیانه هم‌چنان در حال افزایش است.

۵. مطالعات هنر مدرن و معاصر عرب

اولین دوسالانه هنر عرب در بغداد (۱۹۷۴) فرصتی برای طرح چستی هنر عرب در دوران مدرن بود. از آن دوران مطالعه در مورد هنر عرب در چهارچوب پان‌عریسم بیش‌تر شد و کتاب‌هایی به‌نگارش درآمد که فراتر از هنر مصر، عراق، سوریه، و لبنان به مفهومی کلان‌تر زیر عنوان هنر عرب می‌پرداختند. به برخی از کتاب‌های مهم در این زمینه اشاره می‌کنیم. سلوی مقدادی (Mikdadi 1994)، در کتاب *نیروهای تغییر: هنرمندان جهان عرب*، به موضوعاتی چون هنرمندان زن و پیش‌روهای هنر مدرن عرب پرداخته است، اما بحث نظری درباره چستی هنر مدرن عرب را ارائه نمی‌دهد. سیلویا نف (Naef 1996) در فصل پایانی کتاب *در جست‌وجوی مدرنیته عربی* به چالش‌های مفهوم هنر عربی می‌پردازد و این‌که چه ویژگی‌های مشترکی در هنر کشورهای عربی وجود دارد که بتوان آن را عربی دانست. از نظر منتقدان ساخت هنر عربی محصول گفتمان شرق‌شناسی است، چراکه تفاوت‌های هنر سرزمین‌های عربی بیش از شباهت‌های آن است. هم‌چنین، ایدئولوژی پان‌عربی برای تأکید بر وحدت جهان عرب بر هنر عربی تأکید دارد، اما برخی دیگر معتقدند کشورهای عربی نه‌تنها زبان و مذهب مشترک، بلکه موقعیت‌های ساختاری دارند که موجب شکل‌دادن به هنر عربی شده است. به‌هرحال، اکنون که مباحث نظری درباره مطالعات منطقه‌ای هنر افزایش یافته دقت نظری برای تفکیک هنر اسلامی، عربی، و خاورمیانه نیز بیش‌تر شده است.

ندا شبوط در کتاب شکل‌گیری هنر عربی مدرن، برخلاف اغلب منابع، به شرح و توضیح آثار یا هنرمندان نمی‌پردازد، بلکه به جریان‌شناسی هنر در جهان عرب می‌پردازد. شبوط کتاب را با یک چالش مفهومی آغاز می‌کند و آن تلاش برای جداکردن مفهوم هنر عرب از هنر اسلامی است و در متن کتاب شرح می‌دهد که هنر مدرن عرب ادامه هنر اسلامی نیست، بلکه هنر مذهبی-اسلامی به هنر سکولار-عرب تغییر کرده است (Shabout 2007: 13-14). کتاب شبوط موجب توسعه بحث‌های تازه درباره هنر عربی مدرن شده است.

کتاب چشم‌انداز تازه به هنر معاصر عرب در قرن ۲۱ به سرویراستاری حسین امیرصادقی (Amirsadeghi 2009) منتشر شد. در این کتاب، ندا شبوط به معاصریت و جهان عرب می‌پردازد و به نقش بازار، نهادهای فروش، و نقش سیاست‌های پس از یازده سپتامبر به عنوان عوامل مهم شکل‌گرفتن هنر معاصر عرب اشاره می‌کند. او تأکید می‌کند هنر معاصر عرب را نمی‌توان بدون جریان تاریخی هنر مدرن عرب شناخت. لذا به چهار مبحث می‌پردازد: اول مدرنیته عربی در طول قرن بیستم، دوم جریان جهانی شدن پس از دهه ۱۹۹۰، سوم پیدایش و گسترش تضادها و جنگ‌ها پس از سال ۲۰۰۰ در منطقه، و چهارم وضعیت هیبریدی به دلیل جریان مهاجرت‌ها و افزایش روند چندرنگه و چندفرهنگی در جهان عرب. کتاب شامل مقالات دیگری از سلوی مقدادی، ونیسا پرتو، و سارا راجرز است که اغلب به تجربه‌های دیاسپورا در جریان هنر معاصر عرب پرداخته‌اند.

گریگوری بوشاکجیان (Buchakjian 2012) در کتابی با عنوان جنگ و چیزهای ممکن و ناممکن؛ تأملی بر تاریخ عرب و هنر معاصر به آثاری می‌پردازد که از جنگ‌ها و تنش‌های سیاسی، به ویژه حادثه یازده سپتامبر، متأثر شدند و به این پرسش می‌پردازد که هنرمندان چگونه با این وضعیت‌های تروماتیک در جهان عرب مواجه شده‌اند. این کتاب تاریخ‌نگارانه نیست، اما در بستری تاریخی به آثار هنر معاصر می‌پردازد. در فصل اول مؤلف به آثاری می‌پردازد که ایده‌های شرق‌شناسانه را به چالش می‌کشند، هم‌چون اثری از حسن موسی که نقشه سرزمین‌های عرب را زیر نفوذ استعمار نشان می‌دهد. در فصل دوم به آثاری پرداخته است که ایده جهان عرب (یا به تعبیر مؤلف توهم بزرگ) را دست‌مایه کارشان قرار داده‌اند. در فصل بعد به جهان عرب هم‌چون منطقه جنگی اشاره می‌کند؛ از ۱۹۴۸ تا ۲۰۱۱ تعداد ۳۴ جنگ داخلی و مرزی در این منطقه رخ داده است که منشأ همه این جنگ‌ها دو چیز بوده است: کش‌مکش‌ها برای نفت و منازعه با اسرائیل (Buchakjian 2012: 49). مؤلف به تأثیر جنگ در برهان کرکوتلی، علاء یونس، عادل عابدین، تارک القوسی، و ایمان بعلبکی

می‌پردازد. در فصل‌های دیگر نیز به موضوعاتی چون تنش‌های آمریکا و مسلمان پرداخته است و هنرمندانی که پرچم آمریکا را دست‌مایه کارشان قرار داده‌اند.

موزه هنر مدرن نیویورک (MOMA) کتابی با عنوان *هنر مدرن در جهان عرب* به سرویراستاری آنیکا لسن، سارا راجرز، و ندا شبوط (Lenssen et al. 2018) منتشر کرد که شامل مجموعه‌ای از نوشته‌ها، مانیفست‌ها، و مقالات هنرمندان عرب بود. کتاب شامل ۱۲۵ سند در بازه زمانی ۱۸۸۲ تا ۱۹۸۷ از جریان هنر در سرزمین‌های عرب‌زبان خاورمیانه است (ibid.: 18)؛ نوشته‌هایی که نشان‌دهنده تشکیل اولین گروه‌های هنر، اولین نقدهای هنری، و اولین نمایشگاه‌های هنر در جهان عرب است. کتاب مبنایی برای پیش‌برد نگارش تاریخ هنر عرب است.

موزه هنر مدرن عرب در قطر از دیگر بنیادهای مهم در حمایت از انتشار کتاب‌ها و کاتالوگ‌های آثار هنرمندان عرب است. کاتالوگ افتتاحیه را ندا شبوط و همکارانش (Shabout et al. 2010) با عنوان *شناس‌نامه: یک قرن هنر مدرن اعراب* منتشر کردند. در این کتاب، وسان لخدیری (Wassan Al-Khudhairi) در مقاله‌ای به مسئله نهاد هنر و نهادهای سازنده هنر با توسعه موزه‌ها پرداخته است و سوفیا ماریا (Sophia al Maria) و دینا چلپی (Deena Chalabi) به نقش موزه در مجموعه‌سازی و تاریخ‌نگاری هنر عرب پرداخته‌اند. هم‌چنین، ندا شبوط مسئله نمایشگاه‌گردانی هنر مدرن عرب و اهمیت و نقش موزه دوحه را در جهان عرب جدید (The New Arab World) توضیح می‌دهد. اصطلاح «جهان عرب جدید» اشاره به جابه‌جایی جغرافیایی مرکزیت جهان عرب از مصر، سوریه، و عراق به کشورهای عربی منطقه خلیج فارس (شبه‌جزیره عربی) دارد. بخش اصلی این کتاب شامل معرفی ۱۲۰ هنرمند عرب است که آثارشان در موزه هنر مدرن دوحه نگهداری می‌شود. آثار براساس مضامین طبیعت، شهر، فردگرایی، فرم آبستره، اجتماعی، خانوادگی، تاریخی و اسطوره‌ای، حروفیه، و دیگر موضوعات تفکیک شده‌اند.

موزه هنر مدرن دوحه به انتشار کتاب‌های دیگر نیز پرداخته است، هم‌چون کتاب بردوئیل و فلرات (Bardouil and Fellrath 2010) با عنوان *گفته، ناگفته، دوباره گفته* که به‌بهانه نمایشگاهی در موزه دوحه با همین عنوان منتشر شد و شامل ۲۳ روایت از آثار هنرمندان عرب است. نویسندگان جریان هنر مدرن عرب را ترامدرن (transmodern) می‌نامند. بردوئیل مفهوم ترامدرن را مفهومی پسااستعماری می‌داند که امکان شنیدن صداهای حاشیه‌ها و فرودستان را در عصر جهانی‌شدن فراهم می‌کند. از همین رو، عنوان فرعی نمایشگاه را روایت فضا و زمان می‌نامد.

بنیاد بارجیل (Barjeel Art) از دیگر نهادهای حامی مطالعه و انتشار کتاب درباره هنر معاصر عرب و خاورمیانه است. در کتابی به سرویراستاری عمر خلیف (Kholeif 2015) با عنوان *گاه‌شماری ناتمام: هنر عرب از مدرن تا معاصر* تصاویر بخشی از گنجینه بنیاد بارجیل منتشر شد. خلیف در مقاله آغازین این کتاب به دوره‌بندی هنر عرب می‌پردازد و چهار دوره را تفکیک می‌کند. دوره اول با عنوان استقلال‌طلبی و ملی‌گرایی عربی (از آغاز قرن بیستم تا ۱۹۶۷) که مضامین این دوره اغلب سرزمینی و ملی‌گراست. دوره دوم (از ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۰) شامل آثاری است که نشانه‌های فرهنگی و مذهبی را با هنر فرمالیستی مدرن تلفیق کردند. دوره سوم (از دهه ۱۹۹۰) شامل آثاری مانند مانند عکاسی، هنر مفهومی، ویدئو، و پرفورمنس است که رسانه‌محورند و اغلب مضامین انتقادی و سیاسی دارند. دوره چهارم (پس از سال ۲۰۰۰) شامل تجربه معاصر هنرمندان با ملیت عرب منطقه خلیج فارس (GCC) است. آثاری که ملیت، هویت، و تصویر تازه از عرب را ترسیم می‌کنند و تجربه زیسته در این منطقه را ارائه می‌دهند.

در حال حاضر، پژوهش‌گران متعددی در تلاش برای شکل‌دادن به هویت هنر عرب‌اند. انتشار کتاب‌های متعدد درباره موزه‌های عربی، میراث فرهنگی عربی، و هنر معاصر عربی در همین جهت است.

۶. مطالعات در مرزهای ملی

مطالعه هنر مدرن در مرزهای ملی پیشینه زیادی دارد. منتقدان و پژوهش‌گران متعددی از دهه ۱۹۶۰ درباره هنر مدرن ترکی، ایرانی، مصری، و عراقی نوشته‌اند. در این میان، درباره هنر مدرن و معاصر مصر مطالعات بیش‌تر و متنوع‌تری انجام شده است. تنها به چند مطالعه متأخر اشاره می‌شود که اهمیت بیش‌تری در جریان‌سازی پژوهش‌ها داشتند. انگلستد (Engelstad 1994) در پژوهشی با عنوان *گرایش‌ها در نقاشی مصری مدرن* به جریان سورئالیسم، فرعون‌گرایی، اسلام‌گرایی، شرقی‌گرایی، فولکلورگرایی، و اسطوره‌گرایی در هنر قرن بیستم مصر پرداخته است. این پژوهش هم‌چون بسیاری پژوهش‌ها به توصیف و دسته‌بندی موضوعی آثار پرداخته و فاقد تحلیل منسجم است. وجه تحلیلی را می‌توان در کتاب پاتریک کین (Kane 2013) با عنوان *سیاست هنر در مصر مدرن* دنبال کرد که به زیبایی‌شناسی، ایدئولوژی، و ملت‌سازی در سیاست‌های هنری می‌پردازد. کتاب بر سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ متمرکز است و تأثیر جریان نهضت عربی، سیاست‌های جمال عبدالناصر، و

جنگ با اسرائیل را بر تأسیس جشنواره‌های هنری و حمایت از گروه‌های هنری دنبال می‌کند. مؤلف این پرسش را محور مطالعه خود قرار می‌دهد که چرا و چگونه هنرهای تصویری عرصه کش‌مکش‌های میان دولت و دهقانان شد؟ چگونه نخبه‌های اجتماعی از هنر برای متمایز کردن و هویت‌بخشیدن به خود استفاده کردند؟ چگونه دولت با حمایت از هنرهای مردمی و مذهبی تلاش کرد شدت تقابل میان نخبگان طبقه بالا و دهقانان و طبقات پایین را کم کند؟ کتاب پاتریک کین براساس روش‌های معمول در تاریخ‌نگاری هنر به‌نگارش درنیامده، بلکه کتابی درباره تاریخ اجتماعی هنر مصر است. مؤلف نوشته است که مدرنیسم هنری مصر را نباید صرفاً به‌عنوان گرایش به غرب تفسیر کرد، بلکه باید آن را در متن تاریخ اجتماعی مصر مطالعه کرد. از این رو، کتابی متفاوت و عمیق به حساب می‌آید.

جسیکا وینگر (Winegar 2006) در کتاب *تدابیر خلاقانه: سیاست‌های هنر و فرهنگ در مصر معاصر* تلاش می‌کند روایتی پسااستعماری را از هنر مصر ارائه دهد. این کتاب به این پرسش انسان‌شناسانه می‌پردازد که تجربه هنر مدرن در مصر به‌عنوان یک جامعه سنتی (و پیرامونی نسبت به اروپا و آمریکا) چگونه زندگی افراد را معنادار ساخته است؟ وینگر مطالعه خود را تبارشناسانه می‌داند، چراکه طرح مباحث در مورد اصالت فرهنگی، سیاست فرهنگی، و آزادی فرهنگی در جهان عرب فقط مسئله‌ای تاریخی نیست، بلکه هم‌چنان در جریان و معاصر است (Winegar 2006: 15). لیلیان کارنوک (Karnouk 2005) در کتاب خود با عنوان *هنر مدرن مصر*، در شانزده فصل، به مرور تاریخی هنر مدرن مصر پرداخته است. این بررسی از بیداری مصر و استقلال‌طلبی از عثمانی آغاز می‌شود که نوعی هنر ناسیونالیستی را دنبال می‌کرد تا این‌که هنرمندان مدرنیست که به‌سبک انتزاعی و فرمالیستی نقاشی می‌کردند و هم‌چنین هنرمندانی که به دنبال احیا یا بازگشت به هنر اسلامی بودند، نوعی هنر اسلامی مدرن را شکل دادند. کتاب یادشده بررسی جامعی از روندها را شامل می‌شود.

الکس سگرمن (Seggerman 2019) در کتاب *مدرنیسم در نیل به هنر مصر در میانه اسلام‌گرایی و معاصر بودن* پرداخته است. او در شرح رویکردش می‌نویسد، برخلاف جسیکا وینگر که هنر مصر را در جغرافیای تاریخی مصر بررسی می‌کند و پاتریک کین که آثار هنری را در چهارچوب سیاسی و طبقاتی مصر تحلیل می‌کند، در این کتاب بر ابعاد هنری و زیبایی‌شناسی آن‌ها تأکید می‌کند. مؤلف از اصطلاح مدرنیسم فلکی (modernism constellational) برای شرح تحولات هنر کشورهای پیرامونی و توضیح سهم آن‌ها در ساخت هنر جهانی استفاده می‌کند. به اعتقاد او، نمی‌توان هنر را به بخش‌های

جغرافیایی تفکیک کرد، بلکه باید در گستره‌ای وسیع‌تر از اتصالات هنر هم‌چون مجموعه‌ای اقماری صحبت کرد. نوعی ابررابطه (hyper-connection) میان آثار و هنرمندان وجود دارد که آن‌ها را قادر می‌سازد از یک‌دیگر الهام بگیرند، در یک‌دیگر تأثیر بگذارند، و فراتر از جغرافیا به هنر شکل دهند. این مفهوم نقدی بر مدرنیسم غرب‌محور (اروپا و آمریکامحور) است و رویکرد متنوع‌تری به مفهوم مدرنیته دارد. لذا، کتاب رویکردی پسااستعماری دارد و راهی جدید برای درک فرهنگ بصری مصر و درک مدرنیسم به‌عنوان یک پدیده جهانی ارائه می‌دهد. برای مؤلف هنر جهانی معنای غربی ندارد، بلکه برابندی از آثار و کارهای هنرمندان در سراسر جهان است. این کتاب، بیش از آن‌که هنر مصر را شرح دهد، مصر را نمونه‌ای برای بسط مفهوم نظری خود، یعنی مدرنیسم فلکی، قرار داده است. ممکن است این مفهوم بتواند چشم‌انداز تازه‌ای برای مطالعات منطقه‌ای و غیراروپایی ایجاد کند.

مطالعات درباره هنر عراق نیز گسترده است. هنرمندانی چون شاکر حسن السعید و شوکت الریبعی اولین متن‌ها و نقدها را درباره هنر مدرن عراق به‌نگارش درآوردند، اما از آغاز قرن جدید بر تعداد این نوشته‌ها افزوده شده است. در این جا به برخی از منابع متأخر اشاره می‌کنیم: کتاب میسالون فرج (Faraj 2001) با عنوان *ضربه‌های نبوغ* که به هنر مدرن عراقی پرداخته و کنعان مکیه (Makiya 2004) در کتابی با عنوان *یادمان* که به تحولات و ابتدال هنر در دوران صدام حسین پرداخته و شرح داده است که چگونه حکومت بعث هنر را برای تبلیغات سیاسی به خدمت گرفت.

چارلز بوکوک و سمر فاروقی (Pocock and Faruqi 2011) در کتاب *هنر عراق امروز* به هفده هنرمند عراقی پرداخته‌اند. بوکوک در مقدمه‌ای تفصیلی به بررسی تاریخی هنر در عراق می‌پردازد و به شباهت هنر عراق و ایران باوجود اختلاف‌های سیاسی و جنگ اشاره می‌کند (ibid.: 11). هم‌چنین شرح می‌دهد هنر مدرن عراق، که متأثر از پان‌عربیسم طی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رشد کرد، چگونه در دهه‌های بعد، به‌ویژه در دوران جنگ با ایران (در دهه ۱۹۸۰)، به ابزار تبلیغاتی حزب بعث تبدیل شد و هنر مستقل و پرتب‌وتاب عراق به هنر حزبی و سفارشی تبدیل شد؛ روندی که به مهاجرت برخی هنرمندان چون ضیاء العزازی منجر شد (ibid.: 15). این روند مهاجرت پس از جنگ با کویت در ۱۹۹۲ بیش‌تر و پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ گسترده‌تر شد. اکنون نسلی از هنرمندان مهاجر با تجربه‌های دیاسپوریک هنر عراق را در عرصه بین‌المللی نمایندگی می‌کنند. مؤلف به آینده عراق خوش‌بین است و معتقد است از دهه ۲۰۱۰، یعنی پس از چند دهه، دوباره فرصت برای حضور و ظهور هنر عرب و هنر عراق فراهم شده است.

کتاب *اشتقاق به جاودانگی*، به سرویراستاری ماری آنجل شروت (Schroth 2014)، درباره‌ی یک قرن هنر مدرن و معاصر عراق است. مقدمه‌ی این کتاب را سیلیویا نف (Silvia Naef) با عنوان موزه‌ای در تبعید نوشته است که در واقع مقاله‌ای درباره‌ی ساخت آرشیو و اهمیت مجموعه‌داری در موزه‌های جدید عرب و به‌طور ویژه مجموعه‌ی حسین علی هربی است. خانم نف به پژوهش‌گر مطالعات عرب شناخته می‌شود. او در مقالات متعددی (Naef 2016, 2017) نگارش تاریخ هنر عرب در بستر جهانی را موردپرسش قرار داده است و می‌پرسد آیا هنر مدرن جهان عرب نسخه‌ی تقلیدی و ضعیفی از غرب بوده یا نوعی از مدرنیته‌ی غیرغربی است که باید به تاریخ آن مستقل از هنر غرب اندیشید؟ نف معتقد است که باید مفهوم مدرن گم‌شده (missing modern) را برای شناخت هنر منطقه‌ای از جمله هنر عراق، مصر، و ایران به‌کار گرفت؛ مفهومی که اشاره به تجربه‌های مدرن خارج از سرزمین‌های اروپایی دارد، بدون آن‌که آن‌ها را نسخه‌های تقلیدی و کم‌ارزش تلقی کنیم (Naef 2016: 1010-1011).

کتاب احمد ناجی (Naji 2019) با عنوان *زیر درخت نخل بر مبنای گفت‌وگو* با محمد مکیه (Mohamed Makiya) و جواد سلیم (Jawad Salim) به روایت هنر مدرن عراق می‌پردازد و روند تأسیس دانشکده‌ی هنر بغداد و انجمن‌های هنر عراق را بررسی می‌کند و در نهایت با پرداختن به فعالیت‌های گالری کوفی در لندن بخشی از هنر عراق در تبعید را روایت می‌کند. کتاب *ما عراقی هستیم* به سرویراستاری العلی و النجار (Al-Ali and Al-Najjar 2019) کتابی متفاوت است. در این کتاب به زیبایی‌شناسی و سیاست و تأثیر جنگ در هنر عراق پرداخته شده است. کتاب بیش‌تر به هنر دیاسپوریک و هنر در تبعید پرداخته و آثاری را بررسی کرده است که راوی ویرانی و آوارگی جنگ‌اند.

مطالعه درباره‌ی هنر فلسطین ابعاد متفاوتی با هنر عربی و اسلامی را نشان می‌دهد. اولین کتاب درباره‌ی هنر فلسطین را اسماعیل شاموت در سال ۱۹۸۹ در کویت منتشر کرد. شاموت از هنرمندان مهاجر فلسطینی بود که همیشه خاطره‌ی وطن را داشت. البته این کتاب جنبه‌ی تحلیلی نداشت، بلکه کاتالوگی از آثار هنری بود که شاموت طی دهه‌ی ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ در کمپ آوارگان فلسطینی به‌نمایش گذاشته بود. گانیت انکوری (Ankori 2006) به تحلیل جریان «هنر فلسطینی»، به‌ویژه بعد از ۱۹۴۸ و تأسیس اسرائیل، پرداخته است. مؤلف با تحلیل مضمونی به نسل اول هنرمندان فلسطینی مهاجر و آواره، هم‌چون اسماعیل شاموت و سلیمان منصور، پرداخته است که خاطره‌های نوستالژیک، رمانتیک، و تروماتیک از سرزمین مادری دارند؛ در فصلی دیگر به آثار کمال بلاطه (Kamal Boullata) و هنر هندسی و

خط‌پردازی او اشاره می‌کند و در فصلی دیگر به مونا حاتوم می‌پردازد که چگونه مفهوم بدن و خانه را دست‌مایه خلق آثار هنری می‌کند. البته، کتاب بیش از آن‌که درباره هنر فلسطین باشد به بررسی تعداد محدودی هنرمند با ریشه‌های فلسطینی پرداخته است، اما کتاب کمال بلاطه (Boullata 2009) بررسی تاریخی جامع‌تری از «هنر فلسطینی» طی سال ۱۸۵۰ تا ۲۰۰۵ ارائه داده است. بلاطه نه تنها نقاشی به نام است، بلکه از اولین افرادی است که درباره هنر مدرن عرب در سال ۱۹۷۷ مقالاتی منتشر کرد. او در کتابش روند تغییر نقاشی‌های مذهبی به سکولار را در هنر فلسطین دنبال می‌کند. سپس به بازنمایی نمادهای سرزمینی در آثار هنری می‌پردازد و در نهایت آثار هنرمندان را در گتوهای اسکان فلسطینی‌ها در دیگر کشورهای عربی مورد بحث قرار می‌دهد.

درباره هنر مدرن و معاصر در سوریه، لبنان، تونس، الجزایر، و دیگر کشورهای اسلامی نیز کتاب‌هایی منتشر شده است، اما منابع بررسی شده الگوهای اصلی در تحلیل و نگارش هنر مدرن سرزمین‌های اسلامی را توضیح می‌دهند.

۷. مطالعات فرهنگ بصری و سیاست‌گذاری تصویر در کشورهای اسلامی

مطالعه هنر در جهان اسلام و خاورمیانه تنها در متن‌های تاریخ‌نگاری هنر و نقد هنر دنبال نمی‌شود، بلکه در گستره وسیع‌تری از مطالعات جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، و مطالعات فرهنگی نیز توسعه یافته است. این رویکردها به‌طور مشخص در پی تحلیل اثر هنری نیستند، بلکه به تغییرات فرهنگ بصری در کشورهای اسلامی علاقه‌مندند. مطالعه فرهنگ بصری اسلام تنها به معنای مطالعه الگوهای ساختاری از تصاویر تکرارشونده و تثبیت‌شده نیست که پیش‌از این در مطالعات شرق‌شناسان از هنر اسلامی دیده می‌شد، بلکه از منظر مطالعات فرهنگی، مطالعه فرهنگ بصری به معنای مطالعه و کشف روابط قدرت میان تولیدکننده و مصرف‌کننده تصویر است. به‌تازگی، مطالعات پیش‌تری درباره فرهنگ بصری در سرزمین‌های اسلامی انجام شده است که تلاش دارند نقش هنرها، نمایشگاه‌ها، و رسانه‌ها را در بازنمایی جهان اسلام بررسی کنند. از جمله این منابع کتاب کریستین گروبر و هوگبول (Gruber and Haugbolle 2013) با عنوان فرهنگ بصری خاورمیانه است. مؤلفان به مطالعه تطبیقی «مسئله تصویر» در کشورهای عربستان سعودی، عراق، ایران، مصر، و ترکیه پرداخته‌اند و قدرت و نقش تصویر در شکل‌دادن به هویت مدرن خاورمیانه را توضیح داده‌اند. استفان هیدمن (Stefan Heidemann) در مقاله‌ای با عنوان «خاطره و ایدئولوژی» به

تصویر صلاح‌الدین ایوبی، به‌عنوان نماد ملی در فرهنگ بصری سوریه و عراق، می‌پردازد و شرح می‌دهد که چگونه صدام حسین در عراق و حافظ اسد در سوریه به‌عنوان صلاح‌الدین‌های عصر جدید معرفی شدند و تصویرها و مجسمه‌های آن‌ها ساخته شد. پاملا کریمی به مسئله تصویر در توضیح المسائل آیت‌الله خمینی می‌پردازد. مروان کرایدی (Marwan Kraidy) در این کتاب به تحولات سیاست‌گذاری رسانه و تصویر در عربستان سعودی می‌پردازد و فرهنگ بصری جدید را هم‌چون عرصه مشاجره‌های سیاسی در عربستان دنبال می‌کند. کتاب شامل مقالات دیگری است که مؤلفان به ابعاد مختلف رسانه و تصویر و ساخت فرهنگ بصری جدید در خاورمیانه پرداخته‌اند. هم‌چنین کتاب اوکتاویانو ایسانو (Esanu 2018) با عنوان هنر، مدرنیته، و بیداری در خاورمیانه به مسئله تصاویر برهنه در نقاشی‌های عثمانی و هنرمندان عرب نیمه اول قرن بیستم در مصر و لبنان پرداخته و چالش‌های فرهنگی و مجادلات مذهبی در مورد تصویر را مورد مطالعه قرار داده است.

زینہ معاصری (Maasri 2009) در کتابی با عنوان پوست‌رهای سیاسی در جنگ داخلی لبنان به بررسی آرشیو پوسترها در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ پرداخته است. از این ره‌گذر، فرهنگ بصری حزب‌الله و احزاب سوسیالیستی در جهان عرب را مورد مطالعه قرار داده و اهمیت فلسطین به‌عنوان نمادی ملی و اسلامی را بررسی کرده است. هم‌چنین، معاصری (Maasri 2012) به تغییرات زیبایی‌شناسی در تبلیغات حزب‌الله لبنان می‌پردازد و تأثیر جریان هنر ایدئولوژیک و انقلابی ایران را بر زبان بصری حزب‌الله لبنان و تبلیغات اسلام در دیگر کشورها توضیح می‌دهد. ژوزف آغا (Al Agha 2011) نیز به جایگاه هنر مقاومت در ارائه دیدگاه‌های حزب‌الله می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه حزب‌الله در تبلیغات خود از فرهنگ پاپ اسلامی (موسیقی پاپ، هیپ‌هاپ، و راک) استفاده می‌کند.

مطالعه فرهنگ پاپ در جوامع اسلامی نیز ابعاد دیگری از مطالعات تصویر را در کشورهای اسلامی نشان می‌دهد. نیوکرک (Nieuwkerk 2012) در کتاب رپ/اسلامی، سریال‌های حلال و تناثر/انقلابی به توسعه هنر در جوامع مسلمانان می‌پردازد و این نکته را مورد بحث قرار می‌دهد که موسیقی پاپ در اندونزی، مالزی، و مصر را خوانندگان زن اجرا می‌کنند. لذا این پرسش را دنبال می‌کند که چگونه برخی اسلام‌گراها فرهنگ پاپ را به‌عنوان بخشی از فرهنگ امروزی‌شان پذیرفته‌اند.

جنبش بهار عربی پیوند میان فرهنگ پاپ اسلامی و سبک جدید زندگی جوانان مسلمان را نشان داد. برخی کتاب‌ها به نقش هنر و هنرمندان در جنبش بهار عربی

پرداخته‌اند. هم‌چون کتاب شوارتز و دیگران (Schwartz et al. 2013) با عنوان *هنرمندان و بهار عربی* که نشان می‌دهد هم گروه‌های اسلام‌گرا و هم گروه‌های لیبرال از هنر به‌طور مؤثری برای دیدگاه‌ها انتقادی و اصلاحی‌شان استفاده کردند. این کتاب به سیاست‌های فرهنگی و فرهنگ بصری مسلمانان سرزمین‌های عربی پرداخته است. در جنبش بهار عربی گرافیتی و دیوارنگاری‌ها نقش مؤثری داشتند. سابرینا ترک (De Turk 2019) در کتاب *هنر خیابانی در خاورمیانه* به هنر خیابانی در مصر، لبنان، ایران، تونس، عمان، امارات، و دیگر کشورها مانند افغانستان و عراق پرداخته و از یک سو از اهمیت آن به‌عنوان یک رسانه ایدئولوژیک و تبلیغی برای حکومت‌ها بحث کرده و از سوی دیگر گرافیتی و هنر خیابانی را به‌عنوان رسانه‌ای برای اعتراض‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است.

۸. نتیجه‌گیری

کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، و کاتالوگ‌های نمایشگاه‌ها در مورد هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی در حال افزایش‌اند. این منابع اغلب با عنوان‌هایی چون «هنر اسلامی مدرن»، «هنر خاورمیانه»، یا «هنر عرب» منتشر می‌شوند. البته این مقوله‌بندی‌ها چالش‌برانگیز است و به راحتی نمی‌توان جغرافیای بزرگ جهان اسلام و تجربه‌های هنری متنوع را مقوله‌بندی و دسته‌بندی کرد.

در مقاله حاضر به بررسی، معرفی، و ارزیابی مهم‌ترین منابع مطالعات منطقه‌ای هنر مدرن و معاصر سرزمین‌های اسلامی پرداخته شد. البته، هر سال تعداد بیش‌تر و متنوع‌تری از کتاب‌ها و مقالات درباره هنر سرزمین‌های اسلامی منتشر می‌شود، اما در این مقاله تلاش شد تا کتاب‌شناسی (شامل شصت عنوان کتاب) از این حوزه ارائه شود که می‌تواند برای توسعه مطالعات منطقه‌ای هنر در ایران مهم باشد. در ارزیابی از منابع موجود بر چهار مورد مهم باید تأکید کرد:

۱. کتاب‌ها و مقالات درباره هنر مدرن یا معاصر اسلامی چندان زیاد نیست. علت اصلی پرچالش بودن مفهوم «هنر اسلامی مدرن» است. اغلب پژوهش‌گران ترجیح می‌دهند هنر اسلامی را هم‌چون سبک تاریخی مطالعه کنند و طرح آن در دوران مدرن و معاصر را با ریشه‌های سنت‌گرایانه هنر اسلامی در تعارض می‌دانند. باین‌حال، برخی منابع با صراحت بیش‌تری هنر اسلامی مدرن و معاصر را موردپرسش و تحلیل قرار می‌دهند. در مقاله حاضر به برخی از این منابع پرداخته شد.

۲. منابع زیادی به توصیف‌های منفرد از تجربه‌های هنرمندان و روی‌دادهای هنری در کشورهای مختلف پرداخته‌اند و هنر سرزمین‌های اسلامی را در محدوده مرزهای ملی مطالعه کرده‌اند. درمقابل، منابع کمی به مطالعات منطقه‌ای هنر اسلامی یا مطالعه تطبیقی هنر مدرن و معاصر در سرزمین‌های اسلامی پرداخته‌اند، درحالی‌که باید تلاش شود تا شباهت‌ها و تمایزهای تجربه‌های هنری در سرزمین‌های اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. لذا، برخلاف منابعی که به هنرمندان یا آثار هنری می‌پردازند یا گرایش‌ها و سبک‌های هنری (هم‌چون رئالیستی، امپرسیونیستی، و کوبیستی) را دسته‌بندی می‌کنند باید به جریان‌های ساختاری و کلان‌تری پرداخت که امکان مطالعه تطبیقی تجربه‌های هنری میان کشورهای اسلامی را فراهم می‌کنند. در مقاله حاضر، به برخی کتاب‌هایی که این رویکرد ساختاری را دنبال کرده‌اند پرداخته شد، اگرچه منابع در این حوزه مطالعاتی محدود است.

۳. سهم مطالعات «هنر اسلامی مدرن» در مقایسه با منابعی که به «هنر خاورمیانه» یا «هنر عرب» پرداخته‌اند زیاد نیست؛ به‌ویژه آن‌که انتشار کتاب در زمینه هنر خاورمیانه مورد حمایت موزه‌ها، خانه‌های حراج و گالری‌ها، و دیگر نهادهای بازار هنر خاورمیانه است. اغلب این منابع تلاش می‌کنند که هنر اسلامی را زیر بخش و مقوله فرعی خود تعریف کنند و معتقدند که هنر اسلامی مدرن یکی از ژانرها یا گونه‌های هنر خاورمیانه یا هنر مدرن عرب است. البته این رویکرد تقلیل‌گرایانه است و از سوی پژوهش‌گران اروپایی و آمریکایی در حال توسعه است. مطالعات غربی هنر اسلامی این مزیت را برای خود قائل‌اند که فراتر از روایت‌های ملی‌گرا به هنر اسلامی می‌پردازند، اما این به‌معنای داوری فرامنطقه‌ای و نگارش تاریخ بدون جهت‌گیری و تفسیر نیست. باید پژوهش‌گران سرزمین‌های اسلامی نیز در تاریخ‌نگاری هنر اسلامی، به‌ویژه در دوران مدرن و معاصر، نقش‌آفرینی کنند و روایت‌های معتبر ارائه دهند، درحالی‌که بررسی منابع نشان داد سهم پژوهش‌گران سرزمین‌های اسلامی (به‌ویژه ایرانی) در نگارش تاریخ هنر اسلامی مدرن و معاصر اندک است.

در پایان باید تأکید کرد متأسفانه در ایران مطالعات منطقه‌ای هنر بسیار محدود است. منابع بسیار اندکی درباره هنر همسایگان یا هنر کشورهای اسلامی هم‌چون ترکیه، مصر، عراق، و پاکستان انجام شده است. این حوزه به تولید منابع بیش‌تر، مقالات، و کتاب‌های معتبر نیاز دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله برگرفته شده از طرح پژوهشی با عنوان «هنر جهان اسلام: هنر مدرن و معاصر در گفتمان‌های سیاسی جهان اسلام» در دانشگاه هنر است.

کتاب‌نامه

بلر، شیدا و جانانان بلوم (۱۳۸۷)، «سراب هنر اسلامی: تأملاتی در مطالعه حوزه‌های سیال»، ترجمه فرزانه طاهری، باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۴۵.

- Ali, Wijdan (1997), *Modern Islamic Art: Development and Continuity*, University Press of Florida.
- Al Agha, Joseph Elie (2011), "Pious Entertainment: Hizbullah's Islamic Cultural sphere", in: *Muslim Rap, Halal Soaps and Revolutionary Theater: Artistic Developments in the Muslim World*, Karin van Nieuwkerk (ed.), Austin: University of Texas Press.
- Al Agha, Joseph (2013), "Jihad through 'Music': The Taliban and Hizbullah", *Performing Islam*, vol. 1, no. 2.
- Al-Ali, Nadjie and Deborah Al-Najjar (2019), *We Are Iraqis: Aesthetics and Politics in a Time of War*, Syracuse University Press.
- Amirsadeghi, Hossein (2009), *New Vision: Arab Contemporary Art in the 21st Century*, Transglobe Publishing.
- Ankori, Gannit (2006), *Palestinian Art*, Reaktion Books.
- Bardouil, Sam and Till Fellrath (2010), *Told, Untold, Retold: 23 Stories of Journeys through Time and Place*, Italy: Skira Publisher.
- Bloom, Jonathan M. and Sheila S. Blair (2019), "Islamic Art: Past, Present, Future", in: *The Biennial Hamad bin Khalifa Symposium on Islamic Art*, Yale University Press.
- Boullata, Kamal (2009), *Palestinian Art: 1850-2005*, Saqi Publisher.
- Buchakjian, Gregory (2012), *War and Other (Impossible) Possibilities: Thoughts on Arab History and Contemporary Art*, Beirut: Alarm Editions.
- Dadi, Iftikhar (2009), *Translation and Contemporary Art*, in: *Tarjama/ Translation, Contemporary art from the Middle East*, Iftikhar Dadi, Leeza Ahmady, and Reem Fadda (eds.), New York: ArteEast.
- Dadi, Iftikhar (2010), *Modernism and the Art of Muslim South Asia*, University of North Carolina Press.
- Dercon, Chris, Leon Krempel, and Avinoam Shalem (2011), *The Future of Tradition-Tradition of the Future*, Prestel Press.
- De Turk, Sabrina (2019), *Street Art in the Middle East*, London, New York: I. B. Tauris.
- Downey, Anthony (2015), *Dissonant Archives: Contemporary Visual Culture and Contested Narratives in the Middle East*, London, New York: I. B. Tauris.

- Eigner, Saeb and Zaha Hadid (2010), *Art of the Middle East: Modern and Contemporary Art of the Arab World and Iran*, Merrell.
- Exell, Karen (2016), *Modernity and the Museum in the Arabian Peninsula*, London: Routledge.
- Exell, Karen and Trinidad Rico (2014), *Cultural Heritage in the Arabian Peninsula: Debates, Discourses and Practices*, Ashghat Publishing.
- Farjam, Lisa (2009), *Unveiled: New Art from the Middle East*, Booth-Clibborn.
- George, Kenneth M. (2010), *Picturing Islam: Art and Ethics in a Muslim Life World*, Willy-Blackwell.
- Issa, Rose, Juliet Cestar, and Venetia Porter (2016), *Signs of Our Times: From Calligraphy to Calligraffiti*, Merrell.
- Junod, Benoît et al. (ed.) (2012), *Islamic Art and the Museu: Approaches to Art and Archaeology of the Muslim World in the Twenty-First Century*, London: Saqi Books.
- Kane, Patrick (2013), *the Politics of Art in Modern Egypt: Aesthetics, Ideology and Nation-Building*, London, New York: I. B. Tauris.
- Karnouk, Liliane (1988), *Modern Egyptian Art the Emergence of a National Style*, Egypt: American University in Cairo Press.
- Karnouk, Liliane (2005), *Modern Egyptian art: 1910-2003*, Egypt: American University in Cairo Press.
- Keshmirshekan, Hamid (2015), *Contemporary Art from the Middle East: Regional Interaction with Global Art Discourses*, London, New York: I. B. Tauris.
- Kholeif, Omar (2015), *Imperfect Chronology: Arab Art from the Modern to the Contemporary Works from the Barjeel Art Foundation*, Munich, London, and New York: Prestel.
- Lenssen, Aneka, Sarah Rogers, and Nada Shabout (eds.) (2018), *Modern Art in the Arab World: Primary Documents*, Duke University Press Books.
- Lopes, Rui Oliveira et al. (2015), *Global Trends in Modern and Contemporary Islamic Art*, Faculdade de Belas-Artes da Universidade de Lisboa.
- Lowry, Glenn (2009), *Oil and Sugar: Contemporary Art and Islamic Culture*, Ontario: ROM.
- Maasri, Zeina (2009), *Off the Wall: Political Posters of the Lebanese Civil War*, London, New York: I. B. Tauris.
- Maasri, Zeina (2012), "The Aesthetics of Belonging Transformations in Hizbullah's Political Posters: 1985–2006", *Middle East Journal of Culture and Communication*, no. 5.
- Makiya, Kanan (2004), *The Monument: Art and Vulgarity in Saddam Hussein's Iraq*, London, New York: I.B. Tauris.
- Mikdadi, Salwa Ed. (1994), *Forces of Change: Artists of the Arab World*, International Council for Women in the Arts.
- Monem, Nadine, Paul Sloman, and Suzanne Cotter (eds.) (2009), *Contemporary Art in the Middle East: Art World*, Black Dog.
- Naef, Silvia (1996), *A La recherche d'une Modernité Arabe: L'évolution des Arts Plastiques en Egypte, au Liban et en Irak*, Geneve: Slatkine.
- Naef, Silvia (2016), "Visual Modernity in the Arab World, Turkey and Iran: Reintroducing the 'Missing Modern'", *Asiatische Studien - Études Asiatiques*, vol. 70, no. 4.

- Naji, Ahmed (2019), *Under the Palm Trees: Modern Iraqi Art with Mohamed Makiya and Jewad Selim*, Rizzoli.
- Nieuwkerk, Karin (ed.) (2012), *Muslim Rap, Halal Soaps, and Revolutionary Theater: Artistic Developments in the Muslim World*, University of Texas Press.
- Pocock, Charles and Samar Faruqi (2011), *Art in Iraq Today*, Italy: Skira.
- Porter, Venetia and Isabelle Caussé (2008), *Word into Art: Artists of the Modern Middle East*, Dubai: British Museum, Dubai Holding.
- Schwartz, Lowell H., Dalia Dassa Kaye, and Jeffrey Martini (2013), *Artists and the Arab Uprisings*, RAND Corporation.
- Rabbat, Nasser (2018), "The Nakba and Arab Culture", in: *Modern Art in the Arab World: Primary Documents*, Anneka Lenssen, Sarah Rogers, and Nada Shabout (eds.), Duke University Press Books.
- Seggerman, Alex Dika (2019), *Modernism on the Nile: Art in Egypt between the Islamic and the Contemporary*, University of North Carolina Press.
- Shabout, Nada M. (2007), *Modern Arab Art: Formation of Arab Aesthetics*, University Press of Florida.
- Shabout, Nada, Wassan Al-khudhairi, and Deena Chalabi (2010), *Sajjil: A Century of Modern Art*, Italy: Skira Publisher.
- Sonja Mejcher-Atassi and John Pedro Schwartz (eds.) (2012), *Archives, Museums and Collecting Practices in the Modern Arab World*, Farnham: Ashgate.
- Winegar, Jessica (2006), *Creative Reckonings: The Politics of Art and Culture in Contemporary Egypt*, Stanford University Press.
- Zuhur, Sherifa (1998), *Images of Enchantment: Visual and Performing Arts of the Middle East*, American University in Cairo Press.
- Zuhur, Sherifa (2001), *Colors of Enchantment: Theater, Dance, Music and the Visual Arts of the Middle East*, American University in Cairo Press.

